

وظیفه ما: تسریع ساختن جنبشی برای انقلاب کمونیستی، آماده‌سازی زمینه، آماده‌سازی مردم از طریق ساختن هسته‌های ۳ تا ۵ نفره برای بوجود آوردن و آماده‌سازی پیشاهنگ (حزب)!

رفیق باب آواکیان صحیح می‌گوید که «مردم تحت ستمی که قادر و یا تمایلی به مقابله با واقعیت (ضرورت) همان‌طور که واقعا هست ندارند، محکوم‌اند که به بردگی گرفته‌شده و تحت ستم باقی بمانند».

روشن است که رفیق آواکیان معتقد نیست که مردم تحت ستم فرودست به‌خودی‌خود قادر به درک و مقابله با واقعیت با رویکرد علمی هستند. سؤال اساسی که در برابر کمونیست‌های انقلابی به‌ویژه کمونیست‌های معتقد به سنتز نوین کمونیسم قرار دارد این است که: کدام نیرو باید ستم‌کشانی که از بی‌عدالتی‌های نظام سرمایه‌داری در ایران بیشترین رنج را می‌برند به آن‌چنان سطح درک و شناخت برساند که بتوانند با انقلاب کمونیستی به‌طور فعال همکاری کنند و سازمان‌دهی شوند و خود نیز به آن‌چنان رشد فکری برسند که بخشی از سازمان‌دهندگان این انقلاب و رهاکنندگان بشریت شوند؟! پیروزی بر دشمن غدار و جانی توسط انقلاب کمونیستی و حزب کمونیست انقلابی پیش‌تاز صورت خواهد گرفت. انقلاب کمونیستی خودبه‌خودی به وقوع نخواهد پیوست بلکه مبتنی بر فعالیت ارادی و آگاهانه انسان‌ها هست. رفیق باب آواکیان با سنتز نوین کمونیسم و درک غنی‌شده از "چه باید کرد" لنین بروی نکته‌ی حیاتی دست می‌گذارد، او می‌گوید:

«همان‌گونه که لنین با تحلیل عملی در "چه باید کرد" بر آن تأکید نمود و آن را به‌عنوان نکته محوری و مرکزی فعالیت کمونیستی مطرح نمود، آگاهی کمونیستی که دربرگیرنده یک بینش و رویکرد علمی است نمی‌تواند "خودبه‌خودی" تکوین یابد، بلکه باید از بیرون از عرصه تجربه مستقیم و فوری پرولتاریا و توده‌های فروست تحت ستم استثمار به آنان عرضه شود. به همین خاطر است که انقلاب کمونیستی باید از یک حزب پیشتاز سازمان‌یافته برخوردار باشد. حزب متشکل از افرادی که از بخش‌های مختلف جامعه برخاسته‌اند و دیدگاه کمونیستی را اتخاذ کرده‌اند.»

اما یکی از مشکلات توده‌های فرودست که به‌شدت به انقلاب کمونیستی برای رهایی واقعی نیاز دارند این است که آن‌ها شناخت علمی از اوضاعی که در آن به سر می‌برند ندارند و علیرغم اینکه به‌طور نسبی مذهب و اسلامی که حاکمان جمهوری اسلامی آنرا نمایندگی می‌کنند را به زیر سؤال برده‌اند اما کماکان توهمات ضد علمی مذهبی شدیدی دارند و بسیاری می‌گویند "اسلام جمهوری اسلامی دروغین است و اسلامی واقعی نیست!" و با چنین توهمی منتظرند دست‌غیبی ظهور کند و قال‌قضیه را بکنند! این نشان می‌دهد که کمونیست‌ها چقدر باید فعالیت و تلاش پیکر آگاهانه نمایند، با ایده‌های ناصحیح غیرعلمی توده‌های تحت ستم مبارزه کنند تا میلیون‌ها نفرشان را با متحول کردن افکار و ایده‌هایشان به فعالین آگاه جنبش کمونیستی تبدیل نمایند. این وظیفه در پرتو اوضاع کنونی اساس فعالیت ما را باید تشکیل دهد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

وضعیت معیشتی در ایران به درجه‌ی احتراق آمیز و انفجاری رسیده است. گرانی و تورم بیداد می‌کند بطوریکه حتی اقشار میانی و متوسط که قبلاً دستشان به دهانشان می‌رسید و همچنان می‌رسد، سطح درآمدها مانند سال‌های قبل نیست و از اوضاع و "قول‌های" دولت کلیدداری که به آن رأی دادند هم به‌طور نسبی ناراضی‌اند. اما مهم‌ترین تأثیر وضعیت حاد و انفجاری تورم و گرانی کنونی بر قشر تحتانی فرودست جامعه که ستون اصلی انقلاب را تشکیل می‌دهد و درآمدها زیر خطر فقر است می‌باشد. قشر تحتانی که بیشترین صدمه را از گرانی و تورم و بیکاری دیده است و قادر به تأمین مواد اساسی سبد غذایی همچون انواع گوشت (چه قرمز چه سفید)، شیر، پنیر، تخم‌مرغ، نان، سبزی و حبوبات، پوشاک و مسکن و داروهای اساسی که گران شده‌اند، برای خانواده‌اش برای ادامه زندگی که لایق یک انسان باشد نیست. مبارزات زنان ظرف چهل سال گذشته علیه حجاب اجباری و مبارزه علیه تقلیل نقش زنان به ماشین تولید نوزاد که سنگرش از چارچوب خانه و آشپزخانه در جمهوری اسلامی مردسالار نباید فراتر رود، تظاهرات سراسری دی‌ماه سال ۱۳۹۶ و همچنین تظاهرات و اعتصابات کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان رانندگان کامیون و کارگران شهرداری، مبارزات اقلیت‌های ملی و همچنین مذهبی ظرف چهل سال گذشته و به‌ویژه در سراسر سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که تعداد زیادی از مردم در جنبش‌های عدالت‌جویانه در ایران علیه ستم و خشونت و زندان و شکنجه شدن، مبارزه علیه گرفتن اعترافات دروغین اجباری فعالین مدنی و اجتماعی از طرف وزارت اطلاعات و شکنجه‌گران و سایر

شیوه‌هایی علیه مقامات و "قوانین بازی" قدرت سیاسی جمهوری اسلامی حاکم ایستاده‌اند و در جهت رفتن به رسیدن به نقطه عطف در حال گذار است؛ در چنین اوضاعی اسفناکی معیشتی که قشر تحتانی جامعه به‌طور روزمره با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و بدترین جهنم نصیبشان شده است، با عدم آزادی، سرکوب دائمی و زندان و شکنجه و اعترافات اجباری روبرویند و یک نیروی جدی مصمم پیشاهنگ که بتواند ضرورت را به آزادی از طریق یک تغییر رادیکال ایجاد کند وجود ندارد. حزب کمونیست انقلابی در ایران علیرغم اینکه برخی نیروهای خارجه کشور نشین با رویکرد غیرعلمی و خرده‌بورژوازی مدعی نمایندگی حزب بودن هستند وجود ندارد. اگر قرار بود با چنان رویکردی غیرعلمی حتی از سوی کسانی که مدعی طرفداری از سنتز نوین بودن هستند، حزبی بوجود بیاید تاکنون چنین حزبی بوجود می‌آمد و می‌توانست در اوضاع دخالت درخور نسبی داشته باشد. بدون گسست از گذشته دگم (همچون تقلیل مائوئیسم به جنگ خلق ظرف بیست سال گذشته! و بدون نقد رادیکال در مورد آن سکوت نمودن و با دوپهلوی گویی آنرا "به کنار نهادن" و هم آنرا به کنار نگذاشتن!) و تکرار مکررات و تغییر ریل دادن سنتز نوین کارایی ندارد، چون رویکردشان نه علمی است و نه با واقعیت عینی جامعه مطابقت دارد. کار به جایی رسیده است که این خارجه‌نشینان مدعی حزب بودن به زمانیکه لنین در خارج کشور بود استناد می‌کنند! اما آنچه لنین در روسیه تزاری نمود با رویکرد این دسته فرق اساسی دارد. لنین زمانی که در روسیه بود هسته‌های سرخ بلشویک که پایه حزب روسیه بودند را ساخت و بعد طبق قرار و اصول صادره از طرف کمیته مرکزی حزب سوسیالیست روسیه به خاطر اینکه لنین مورد تعقیب پلیس سیاسی تزار

بود و دیگر هیچ گزینه‌ای مگر به خارج کشور رفتن در مقابلشان نبود به خارج کشور رفت. لنین دائماً با تشکیلات داخل کشور حزب از طریق نمایندگانی که کمیته مرکزی حزب به خارج کشور می‌فرستاد در تماس دائم بود و از اوضاع عینی و نه صرفاً از طریق خواندن اخبار روزنامه‌ها زمان تزار اطلاع می‌یافت و آنرا سنتز می‌نمود. این اوضاع حزب سوسیالیست و بلشویکی لنین که به‌طور پیگیر تئوری انقلابی و ستاد حزب پیشتاز روسیه را تقویت و پیش‌ازپیش منظم و آبدیده نمود هیچ سختی با کسانی که در خارج کشور بدون هیچ تشکیلاتی اولیه‌ای اعلام "حزب" نمودند ندارد. واقعیت این است که شوربختانه شیرازه تشکیلاتی سازمان‌ها و گروه‌ها در دهه شصت با یورش مأموران وزارت اطلاعات و کمیته ضد اطاعات سپاه پاسداران و دستگیری و اعدام کادرهای باتجربه سازمان‌ها و گروه‌ها از هم پاشید. وانگهی لنین و کمیته مرکزی تحت رهبری اش سر و مرکز اتاق فکری بدنه‌ای بود که در یک فرایند پیچیده حزب را از طریق یک نشریه مخفی (ایسگرا) با اتکا به رویکرد علمی و تعیین وظایفی که ریشه در ضرورت حاکم بر جهان امپریالیستی و تأثیرش بر اوضاع داخلی روسیه تزاری داشت، در میان بلشویک‌ها را باز در یک فرایند پیچیده از یک نیروی خرد و کوچک (تعداد کم) به نیرویی نسبتاً کلان (تعداد زیاد) تبدیل‌شدن نهادینه و سراسری نمود!

طرح این مسائل بالا ما را به این نکته می‌رساند که به یک کلام وضعیت جنبش کمونیستی اسفناک است؛ در یک طرف الگوبرداری دگم با رویکرد و متدلوژی غیرعلمی و با اتکا به ماتریالیسم مکانیکی و بدون داشتن یک تحلیل مشخص از اوضاع مشخص کار گروهی حتی مدعیان طرفدار

سنتز نوین در خارج کشور شده است، در قطب دیگر اصلاح طلبی (رفرم در چارچوب نظام سرمایه‌داری تحت حاکمیت سران جمهوری اسلامی)، اکونومیسم و دنباله‌روی از جنبش توده‌ای به‌ویژه جنبش کارگری سندیکالیستی و خواست‌های ملموس فوری‌اش (منافع ملموس و کوتاه‌مدت که با منافع اساسی و درازمدت پرولتاریا در تضاد است) به یک‌روند نرم در میان دیگر گروه‌ها و سازمان‌هایی که ادعای کمونیست بودن (در حرف دارند اما عملاً به راه اصلاح طلبی و رفرم این نظام با استفاده از واژه‌های "چپ" و سوسیالیسم خرده‌بورژوازی رفته‌اند) را دارند تبدیل گشته است. آنچه در دستور روز این مدعیان کمونیست قرار ندارد انقلاب کمونیستی است، هرچند شعار "کار - نان - آزادی - حکومت شورایی" سر می‌دهند، اما هیچ تلاشی واقعی با رویکرد علمی و ارائه یک سنتز نوین از تاریخ جنبش جهانی کمونیستی ندارند و برای تشکیل حزب پیشتاز گام واقعی که با ضرورت عینی مطابقت داشته باشد فعالیت نمی‌کنند و نمی‌توانند و قادر نیستند راهکاری برای برون‌رفت و گسست از گذشته ارائه دهند! برای همین به روایت‌پردازی و الگوبرداری دگم، جمع‌بندی غیرعلمی و ناصحیح از تاریخ انقلاب کمونیستی و به‌طور مشخص از انقلاب کمونیستی شوروی به رهبری لنین می‌نمایند، اکتفا می‌کنند و این فرجامی جز ائتلاف وقت و در جا زدن و به پس‌مانده گذشته تبدیل شدن که به بیراهه منتهی می‌شود، نیست. هر دو طرف این جریان‌ها به سدی در مقابل ایجاد حزب کمونیست انقلابی و پیشتاز در ایران تبدیل گشته‌اند. و این سد از طرف نسل نوین کمونیست انقلابی و به‌ویژه نسل جوان طرفدار سنتز نوین کمونیسم باب آواکیان باید با گسست از رویکرد و متدلوژی ماتریالیسم مکانیکی غالب بر خط سیاسی چنان

جریاناتی شکسته شود و راه برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی در داخل ایران با اتکا به رویکرد و متدولوژی ماتریالیسم دیالکتیک که توسط رفیق آواکیان تبیین و سنتز شده است، هموار گردد. در چنین وضعیت حاکم بر جنبش کمونیستی در فقدان و نبود حزب پیشتاز خطر اینکه یک طبقه ستمگر و استثمارگر دیگر از این اوضاع دهشتناک با دخالت امپریالیسم آمریکا روی کار آید زیاد است. خطر کودتا را هم نباید دست کم گرفت! مثل آنچه در هم‌اکنون و نزوئلا از طریق یک کودتای خزنده به رهبری امپریالیسم آمریکا در جریان است و یا یک کودتای از درون همین نظام ضد بشری جمهوری اسلامی. اجلاس(نشست) ورشو ارتجاع منطقه این سگان زنجیری نظام سرمایه‌داری-امپریالیستی جهانی را تحت رهبری امپریالیسم آمریکا و دولت فاشیست ترامپ-پنس که پدرخوانده آن نظام جهانی است را برای مقابله با جمهوری اسلامی متحد کرده است. مسئله رژیم چنج در ایران در دستور روز امپریالیسم آمریکا و سگان زنجیری منطقه قرار دارد. قبلاً رفقای «گروه کمونیست‌های انقلابی سنتز نوین کمونیسم در ایران» تحلیل مشخصی تحت عنوان «اوضاع کنونی، آرایش نیروهای دشمن و وظایف ما!»^۱ در ۱ دی‌ماه ۱۳۹۷ نموده‌اند، و جا دارد رفقا نسل جوان کمونیست به‌ویژه رفقای جوان طرفدار سنتز نوین کمونیسم باب آواکیان یک‌بار دیگر آن‌ها با دقت بخوانند.

وظیفه ما در اوضاع کنونی این است که ما طرفداران سنتز نوین کمونیسم و نسل نوین کمونیست انقلابی که به دنبال تنها و یگانه آلترناتیو برای رهایی واقعی‌اند کار ساختن هسته‌های ۳ تا ۵ نفره

را تسریع کنیم. این هسته‌ها پایه‌های ایجاد حزب پیش‌تاز در درون ایران و نه در خارج کشور هستند.

همان‌گونه که رفقای حزب کمونیست انقلابی آمریکا به‌طور صحیح گفته‌اند:

«درحالی‌که بسیاری از مردم در مخالفت با جنایات این نظام اقدامات مثبت انجام می‌دهند، ما باید همه‌چیز – هر برنامه سیاسی و هر نیروی سازمان‌یافته در جامعه را ارزیابی کنیم، هر نوع فرهنگ، ارزش‌ها و شیوه‌های برخورد به افراد را بر اساس ارتباط آن با انقلابی که نیاز داریم برای پایان دادن به تمام ظلم و ستم را در نظر بگیریم. ما باید هر زمان که می‌توانیم با مردم متحد شویم و هر زمان که نیاز است با آنها مبارزه کنیم تا انقلاب را پیش ببریم (منظور مبارزه با افکار ناصحیح آنها هست).»

درحالی‌که در انتظار (در کمین نشستن) شرایط لازم برای پیروزی انقلاب هستیم، باید آنرا

تسریع کنیم.»

تسریع ساختن جنبشی برای انقلاب کمونیستی را با انتظار کشیدن برای زمانی که وضعیت انقلابی بوجود می‌آید، آماده‌سازی زمینه (میدان مبارزه)، آماده‌سازی مردم و از طریق ساختن هسته‌های ۳ تا ۵ نفره برای بوجود آوردن و آماده‌سازی پیشاهنگ (حزب)!

آماده‌سازی پیشاهنگ(حزب)، آماده شدن برای زمانی که میلیون‌ها نفر می‌توانند برای انقلاب رهبری شوند، آماده کردن زمینه برای انقلاب» را باید در دستور روز رفقا قرار داد.

باید فکر و ذکر رفقا را دائماً به این موضع سوق داد که با آن دست‌وپنجه نرم کنند و کار سازمان‌دهی ساختن هسته‌های سرخ را با رعیت اصول پنهان‌کاری با رویکرد علمی به‌پیش ببرند. ما نیاز داریم که چنین کنیم، توجه رفقا را جلب کنیم و رفقا را از مجذوب شدن و تن دادن به شرایط حاکم که ابدی نیست و از کم‌کاری برحذر نماییم.

قطبی شدن جامعه با ناکارآمدی دولت روحانی به‌عنوان سخنگوی نظام جمهوری اسلامی که قادر به حل تضادهای حاد اجتماعی نیست به حادتر شدن آن تضادها پا می‌دهد. این نظام ضد بشری قادر به حل این معضلات نیست. روی این مسئله که این نظام را نمی‌توان اصلاح کرد و قادر به حل معضلات اجتماعی از جمله وضعیت معیشتی مردم فرودست نیست باید بیش از گذشته در میان فرودستان قشر تحتانی جامعه تأکید کرد و به افشاگری پرداخت.

ما نیاز داریم که از اصلی که رفقای حزب کمونیست انقلابی آمریکا به ما آموختند برای پیروزی نهایی بر دشمن پیروی کنیم که:

«ما برای انقلاب باید با قدرت سیاسی حاکم مبارزه کنیم و مردم را دگرگون کنیم، در برابر بی‌عدالتی‌ها و جنایات این نظام اعتراض و مقاومت نماییم و مردم را برای تقابل و از بین بردن این نظام متعفن و روش‌های تفکرش با خود همراه کنیم و به چشم‌انداز و ارزش و

استراتژی و برنامه انقلاب مسلح نماییم، نیروهای این انقلاب را بسازیم و تلاش‌های قدرت حاکم را برای شکست انقلاب و رهبری آن شکست دهیم. بسیاری از مردم که با هر "تکان شدید" در جامعه - هر بحران، هر بی‌عدالتی جدیدی که بوجود می‌آید و آنرا به چالش می‌گیرند و در مقابله مقاومت می‌کنند همان‌هایی هستند که قبلاً معمولاً آنرا قبول می‌نمودند، و ما باید آنرا بقاییم و از آن برای پیشبرد انقلاب و گسترش نیروهای سازمان‌یافته‌اش استفاده کنیم. ما باید در حرکت قدرت حاکم برای ایزوله کردن، "احاطه کردن"، بی‌رحمی کردن، زندانی کردن انبوه توده‌ها و کشتار سرکوبگرانه جمعی افرادی که سخت‌ترین زندگی را تحت این نظام و بیشترین نیاز به این انقلاب را دارند، مخالفت و اختلال ایجاد کنیم. ما باید با هر موجی از پس موج دیگر مخالفت مؤثر در حال افزایش مردمی که در مقابل این نظام بیا می‌خیزند، آن‌ها را "محاصره" کنیم.»

این کار همان‌گونه که قبلاً بارها مورد تأکید ما طرفداران سنتز نوین کمونیسم رفیق باب آواکیان قرار گرفت ممکن نیست مگر:

« جنبش کمونیستی برای رهبری این انقلاب هیچ گزینه‌ی دیگری ندارد اگر بخواهد در آن نقش ظفرمندان پیشگام را بازی کند، باید به عقب‌ماندگی‌های سیاسی-تشکیلاتی خود پایان دهد.

پیشگام آینده یا پس‌مانده گذشته!

این وظیفه جنبش کمونیست است که کمبودهای جدی خویش را تصحیح نماید و رفقای کمونیست تلاش خویش را برای به وجود آوردن هزاران هسته سرخ به خاطر شکل دهی و رهبری مبارزات توده‌های فرودست را مضاعف و چند برابر کنند. هسته‌های سرخ کمونیستی که با توده‌های فرودست پیوند خورده باشند و به شکل دادنشان پردازند و با تلفیق تئوری انقلابی منبعث از سنتز علمی واقعیت عینی در یک فرایند مشخص بر مبنای اتحاد-مبارزه-وحدت در یک مبارزه اصولی وحدت‌طلبانه بدون سازش در پرنسپ‌ها و اصول منتج شده از شرایط مشخص مبارزه طبقاتی شرایط تشکیل حزب کمونیست انقلابی ایران را فراهم نمایند و آنرا در کوران مبارزه به یک پیشاهنگ مجرب واقعی تبدیل نمایند. هزاران هسته‌ای که نطفه‌های اولیه برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی در ایران پیش‌تاز آینده هستند.»^۲

سرنگونی نظام سرمایه‌داری و توتالیتریزم (تمامیت‌خواه) مستبد مذهبی جمهوری اسلامی هم ممکن و هم ضروری است!

انقلاب کمونیستی و نه چیزی کمتر از آن!

پیش به سوی ایجاد هزاران هسته‌ی سرخ کمونیستی در میان همه اقشار و طبقات که در جبهه انقلاب قرار دارند!

برهان عظیمی

۴ اسفند ۱۳۹۷

پاورقی:

۱- برای خواندن «اوضاع کنونی، آرایش نیروهای دشمن و وظایف ما!» به لینک زیر در تلگرام

مراجعه شود:

https://t.me/New_Communist/1302

۲- برای خواندن کلیه این تحلیل تحت عنوان «ده روزی که ایران را به لرزه در آورد!»

کندوکاوی درباره علل خیزش به حق فرودستان در دی ماه ۱۳۹۶ و چه باید کرد و چه نباید

کردها!» به لینک زیر در تلگرام مراجعه کنید:

https://t.me/New_Communist/1306

چطور می‌توانیم از این وضعیت دهشتناک خارج شویم، انقلاب نه چیزی کمتر!

کانال کمونیسم نوین

https://t.me/New_Communist



نه هر انقلابی بلکه انقلاب کمونیستی و نه چیزی کمتر از آن!

انقلابی که از ابتدا برای رسیدن به چنان هدف نهائی می‌جنگد و توسط مارکس بنیان‌گذار علم کمونیسم تئوریزه شده است.

کارل مارکس، ایده ارتباط دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا و محو "کلیت" در مرحله جامعه نوین گذار به سوسیالیسم را بسیار شفاف و دقیق چنین بیان نموده است:

"این سوسیالیسم اعلام تداوم انقلاب است، دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا لازمه‌ی نقطه‌گذار برای

محو کلیه تمایزات طبقاتی (یا "کلیت اختلافات طبقاتی")، محو کلیه روابط تولیدی که این

تمایزات طبقاتی بر آن استوار است، محو کلیه روابط اجتماعی که منطبق بر این روابط

تولید است، و دگرگون نمودن کلیه ایده‌هایی که از این روابط اجتماعی حاصل می‌شود، است."

(نقل از کتاب "مبارزه طبقاتی در فرانسه، ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰" نوشته مارکس)